

امروز شما

فروردین
 امروز ننگه داشتن پاهایتان روی زمین برایتان سخت است گویی در آسمانها سیر می کنید. آنقدر خیال بافی می کنید که در نهایت بدین نتیجه می رسید که با فردی که به او علاقه دارید، قرار ملاقاتی بگذارید.

اردیبهشت
 با یکی از اطرافیان امروز درگیر می شوید و یا او بحث می کنید؛ اما بهتر است قبل از هر عکس العملی، خودتان را جای او بگذارید و مشکل را از زوایای مختلف بررسی کنید. اگر می خواهید حرف دلتان را بزنید، انتظار هر عکس العملی از او را هم داشته باشید.

خرداد
 چند وقتی است از دوستانتان غافل شده اید اما امروز کمی بیشتر به دوستانتان اهمیت دهید. شما می توانید با حمایت از نظرها و ایده های آنها نشان دهید که چقدر برایتان مهم هستند.

تیر
 بر سر یک دوراهی گیر افتاده اید، اما در این زمان داشتن دیدگاهی منطقی می تواند مزه موفقیت شما باشد. به جای گوش دادن به نظرات دیگران، به عقل خود گوش دهید که شما را به راه درست هدایت می کند.

مرداد
 پیشنهادی به شما شده است اما خودتان را دست کم گرفته اید. حال زمان آن است که اعتماد به نفستان را بالا برده و پیشنهاد را قبول کنید. شما مهارت های زیادی دارید اما به درستی از آنها استفاده نمی کنید. اگر به دنبال پیشرفتی در زندگی تان هستید، عقب نکشید.

شهریور
 اخیراً به دلیل درگیری هایی که داشته اید، از شریک زندگی تان غافل شده اید اما زمان آن است که به او اهمیت بیشتری دهید. امروز خیالتان را رها کنید تا به هر کجا که دوست دارد سرک کشد.

مهر
 به دنبال ساده ترین راه برای گریز از شرایطی که در آن به سر می برید، هستید. این رفتار نتیجه تنبلی و در رفتن از زیر بار مسئولیت هایتان است. شاید این راهی که انتخاب کرده اید همین حالا جواب دهد اما در آینده ممکن است برایتان دردسرساز شود.

آبان
 چند وقتی است که رابطه عاطفی شما دچار تنش شده و این موضوع آرامشتان را به هم زده است. همه می دانند که عشق آسان نیست اما نباید بگذارید که این موضوع تبدیل به یک مشکل بزرگ شود و تمام زندگی شما را تحت تاثیر قرار دهد.

آذر
 در حال حاضر قدرت تحلیل شما بهترین دوستان است. پس نگذارید هیچ کسی بین شما فاصله بیندازد. اگر مجرد هستید، زمان خوبی است تا با فرد مورد علاقه تان یک رابطه رمانتیک را آغاز کنید و به هر ایده ای که در ذهنتان دارید جامع عمل بپوشانید.

دی
 امروز خبری می شود که ممکن است باعث عصبانیت و جروبوت شما صاحب زندگی تان شود اما توصیه می کنیم که قبل از هر حرکتی، از صحت آنچه در مورد آن بحث می کنید آگاه شوید.

بهمن
 امروز جسارت لازم را به دست آورده اید تا دست به تغییری که مدت ها است می خواهید در رابطه عاطفی خود ایجاد کنید، بزنید. حال که رابطه عاطفی شما پر از عشق و احساسات رمانتیک است، قدم های اول را بردارید.

اسفند
 اگرچه در تلاشید تا نگاه واقع بینانه ای به اطراف داشته باشید اما نیرویی شما را از این کار بازمی دارد طوری که دوست دارید بال هایتان را باز و در آسمانها پرواز کنید. اگر به طور موقت در دنیای خیال خود سیر کنید، آسیمی به شما وارد نخواهد شد اما حواستان باشد که در این کار زیاده روی نکنید.

پسر ۱۱ ساله، گاوکش حرفه ای



او نسل هشتم است؛ نسل هشتم یک خانواده قصاب و دامدار در شهر زابل؛ خانواده ای که مردهایش همیشه پشت گاو و شتر را به زمین رسانده اند. پسر ۱۱ ساله ای که شبیه خیلی از همسن و سالانش نیست. ابوالفضل پام، از ۶ سالگی پا به دنیای قصابی گذاشته و آرزویش این است که مثل پدر و پدربزرگ و بقیه اجدادش یک گاوکش حرفه ای باشد.

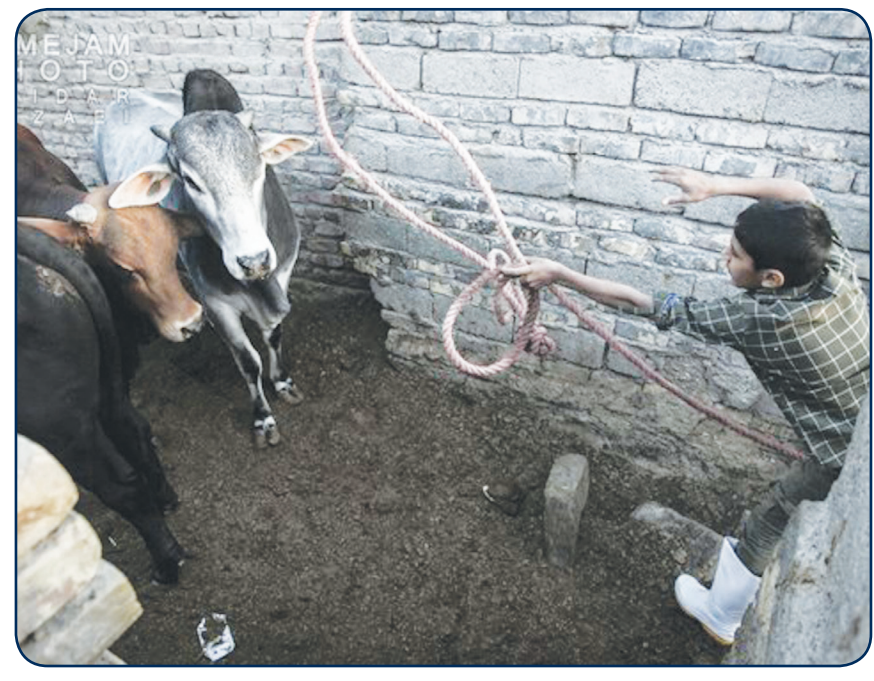
به گزارش جام جم آنلاین ابوالفضل پام، شبیه خیلی از پسر بچه های همسن و سال هست و نیست؛ وقتی ابوالفضل با دوستانش در کوچه های خاکی زابل بازی می کند، وقتی پشت نیمکت کلاس درس می نشیند یا روپوش سورمهای رنگ مدرسه را می پوشد شبیه بقیه بچه های همسن و سالش است، اما خارج از این دنیا، وقتی ابوالفضل را با چکمه های سفید روی موزاییک های بیسیند که از خون تازه و گرم گاوی که تازه کشته شده، سرخ است، او دیگر شبیه دوستانش نیست. ابوالفضل به اینچا که می رسد، پسر بچه ای است که دوست دارد شغل پدری اش را ادامه بدهد، شغلی که در آن سروکارش با خون و چاقو و گاو و شتر است؛ پنج سال حضور مدام در قصابی و ذبح گاو حالا آنقدر برای او جاذبه ایجاد کرده که ساعت ۴ صبح قبل از همه در محل ذبح حاضر شود و چراغ را روشن کند.

عباس پام پدر ابوالفضل، نسل هفتم خانواده پامهاست که به ذبح گاو مشغول اند. مردی متولد سال ۱۳۵۳ صادره از زابل که می گوید این ارثی است که در خون ما وجود دارد: «پدرم، پدربزرگم، جدم، جد بزرگم و همین طور الی آخر همه قصاب بودند و گاو ذبح می کردند، فکر کنم این ارثی است که در خون ما وجود دارد و به بچه هایمان هم می رسد. الان ما شش تا برادریم که همه این کار را انجام می دهیم و بچه هایمان هم به این کار علاقه دارند.» ما با پسرش ابوالفضل درباره علاقه ای گفت و گو می کنیم که از نظر خیلی ها یک علاقه عجیب و غیرمتعارف است.

ابوالفضل متولد چه سالی هستی؟
 نمی دونم، یازده سالمه.

یعنی ۱۳۸۵؟
 کدوم قسمت ذبح گاو را از بقیه بیشتر دوست داری؟

موقعی که گاو را می اندازم زمین، یا وقتی که پوستش را جدا می کنیم.
 هر روز چه ساعتی از خواب بیدار می شی؟
 اگر قرار باشه برم کمک پدرم گاو بکشیم، ۴-۵ صبح بیدار می شوم.
 مدرسه هم میری دیگه؟
 بله.
 چطور می رسی؟
 بعضی وقتها نمی رسم برم مدرسه. بعضی وقتها هفت میرم ۱۲ برمی گردم.
 برای گاو کشتن کسی تو را بیدار می کند؟
 نه خودم بیدار میشم، خودم دوست دارم و از همه زودتر می روم برای ذبح گاو.
 در هفته چند تا گاو می کشی؟
 هرچقدر مشتری داشته باشیم. بعضی وقتها هر روز بعضی وقتها سه تا در هفته. الان بازار خراب است، قبلاً روزی ۴ تا هم می کشتم.
 تو می رسی دوستانت می دانند که کار قصابی بلدی؟
 بعضی ها می دانند، خیلی ها هم نمی دانند.
 خانه شما چقدر با مدرسه فاصله دارد؟
 حدود نیم ساعت، پیاده می روم.
 درس هایت خوب است؟
 (می خندد) ریاضی ام بهتر از بقیه است.
 دوست داری تا کلاس چندم درس بخوانی؟
 تا کلاس پنجم.
 چرا؟
 چون همین قدر بس است. می خواهم بروم پای کار.
 کار یعنی قصابی؟
 بله.
 فکر نمی کنی اگر درس بخوانی شاید یک شغل دیگری داشته باشی؟
 نه این شغل پدرم، من می خواهم شغل پدرم رو ادامه بدهم.
 درآمد این شغل خوب است؟
 بله خوب است. خدا را شکر.
 اینکه لباس هایت خونی و کثیف می شود ناراحت نمی کنی؟
 نه خوشم می آید.
 از چه چیزی خوشت می آید؟
 از قصابی. ما همه خانوادگی قصابی بلدیم، من نسل هشتم هستم.
 یعنی اگر بچه داشته باشی دوست داری اون هم قصاب بشود؟



باران که بیاید همه عاشق هستند...



دل تنگی رضا صادقی برای زنده یاد ناصر عبدالهی

به گزارش جام جم آنلاین، ناصر عبدالهی در دهمین روز از دی ماه سال ۱۳۴۹ در محله سید کامل شهر بندرعباس زاده شد و فعالیت های هنری خود را از سال های نوجوانی در صداوسیما و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان هرمزگان آغاز کرد. آثار زیادی از این هنرمند توانا به ادگار مانده که از جمله معروف ترین آنه می توان به ترانه ناصریا اشاره کرد. عبدالهی در ۲۹ آذر ۸۵ در یکی از بیمارستان های تهران در گذشت.

به همین مناسبت رضا صادقی خواننده پاپ کشورمان که از همشهریان اوست عکسی از خود بر سر مزار ناصر عبدالهی در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد و از جای خالی او گفت.

صادقی نوشت:

«سلام همشهری، ۱۱ سال از رفتنت گذشت. یازده سالی که فقط جات روی صحنه خالی بود، اما بین مردم سرزمینت همیشه بودی و هستی. فرزندان با مهر و هنرمندت و دوستان خوبت و مردم با عشق یاد تو رو آثار تو رو مانا تر کردن. خلاصه که دل همه برات تنگه خوش به حال اون بالای ها که صدات و میشنون. ۲۹ آذرماه سالروز آسمانی شدن زنده نام ناصر عبدالهی رو تسلیت به خانواده خوبش و مردمش ... درود همشهری.»

